

بررسی مفهوم مقاومت با رویکرد اجتماعی در آیات قرآن

اصغر زاهدی تیر*

محمدهادی امین ناجی**

چکیده

«مقاومت» از واژه‌های بنیادین و فطری است که ریشه قرآنی دارد و با مفاهیم و آیات اجتماعی قرآن ارتباط معناداری دارد. بر اساس دلالت‌های لغوی و تفسیری می‌توان آن را معادل با توحید، عدالت و در نهایت، اسلام قرار داد که این امر مهم و ذاتی، گاه با برداشت‌های نارسا به افراط و تفریط کشیده شده و بیشتر بر روش مقاومت مانند: تقابل، جنگ و قتال توجه شده است. هدف از این پژوهش توسعه معنایی و تفسیری «مقاومت» و آشکارسازی ظرفیت اسلام در پاسخ به نیازمندی‌های اجتماعی و مقابله با تفکر غرب است که تبیین آن در تحقق و تقویت نظام سیاسی و اجتماعی اسلام بسیار مؤثر است. مقاومت در قرآن بر توحید، عدالت و فطرت بنا شده است و بر تحقق اصل حاکمیت خدا بر سرنوشت انسان، تشکیل حکومت، إقامة قسط، آبادانی زمین و عدم پذیرش ولایت و ربوبیت غیر خدا تأکید دارد.

واژگان کلیدی

آیات مقاومت، توحید، عدالت، رویکرد اجتماعی.

*. دانشجوی دکتری مدرسی قرآن و متون اسلامی دانشگاه پیام نور و مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول).
zahedi.tir@gmail.com

mn_najee@pnu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۹

** . دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۲۶

طرح مسئله

هر مکتب مدعی سعادت، باید مدلی از زندگی را ارائه و بستر فعلیت‌بخشی استعدادها را فراهم آورد تا بتواند در برابر موانع و فشارهای درونی و بیرونی مقاومت کند. اسلام مدعی جامعیت، جهان‌شمولی و سعادت‌بخشی است و به همه نیازها توجه نموده است. (مطهری، ۱۳۹۰: ۳ / ۶۵) و در هیچ شأنی از شئون بشری، مسئله اجتماع را مهم‌نگذاشته است. (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱۶۲) سطحی‌نگری در فهم برخی مفاهیم و آیات اجتماعی قرآن، برداشت نارسایی از جایگاه و نقش اسلام به جامعه بشری القا کرده است که مفهوم «مقاومت» نیز بدان دچار شده است. در تبیین و تفسیر آیات «مقاومت» به جای تکیه بر مبانی، بیشتر بر روش مقاومت تکیه شده است و غالباً ناظر بر ادبیات مقاومت، جنگ و ایستادگی در مقابل مهاجم شکل گرفته است، اما به نظر می‌رسد مفهوم «مقاومت» در قرآن دامنه گسترده‌تری دارد، به طوری که اگر در دستگاه معناشناختی، واژگان کلیدی قرآن درست تحلیل شوند، معنا و پیام جدیدی را مخبره می‌کنند. (شاملی و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۸) استفاده از اصطلاح «مفهوم» در این پژوهش به جای «معنا» در بررسی واژه «مقاومت» این است که انتزاع بیشتری به روابط واژگان بدهیم. (پهلوان‌نژاد و سرسرابی، ۱۳۹۰: ۱۱) لذا این پژوهش بر آن است تا مفهوم و مصداق «مقاومت» با رویکرد اجتماعی را از منظر قرآن کریم و منابع لغوی و تفسیری ارائه نماید.

از سویی سطحی‌نگری و غفلت از تفسیر اجتماعی قرآن در طی قرن‌های گذشته، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را بر جامعه بشری تحمیل کرده است. به علت عدم نگرش جامع به قرآن و غفلت از تعلیمات جهان‌شمول آن در زندگی اجتماعی، مسلمانان گرفتار افراط و تفریط، تکفیر و اختلاف گردیدند. درحالی‌که بر اساس دلالت برخی از آیات از جمله آیه ۱۹ سوره آل عمران، «حقیقت اسلام» معادل توحید و عدالت قرار گرفته است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۴۵) به تعبیر دیگر «غایت دین در بعد حیات اجتماعی اقامه عدل است». (حکیمی، ۱۳۸۹: ۶۰) با توجه به اینکه بررسی واژه‌ها و مفاهیم اجتماعی در مطالعات قرآنی کم‌وبیش مورد غفلت قرار گرفته است، این پژوهش به ما یاری می‌رساند تا به مفهوم عمیق‌تر «مقاومت» در قرآن با بهره‌گیری از منابع لغوی و تفسیری دسترسی پیدا کنیم. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که مقصود از مقاومت در قرآن چیست؟ مبانی، ابعاد و رویکرد اجتماعی مقاومت در قرآن کدام است؟

مفهوم مقاومت

واژه «مقاومت» به صراحت در قرآن نیامده است. کاربرد مقاومت در فرهنگ اسلامی و بررسی لغوی و تفسیری بیانگر آن است که «مقاومت» واژه‌ای بومی‌سازی شده است که ریشه قرآنی دارد. اثبات آن با

طرح نکات زیر قابل دسترسی است.

۱. بومی‌سازی لغات، نوعی تولید علم «مفهوم‌سازی» است. وام‌گیری لغات و بومی‌سازی در زبان‌شناسی، امری رایج بوده و هست، مثلاً کلمه «تمدن» که عربی است در زبان فارسی در جایی به‌کار می‌رود که عرب بدان «الحضارة» می‌گوید. (مه‌ریزی، ۱۳۸۹: ۲۸۰) مفهوم مقاومت در سیر تحول و به‌کارگیری لغات چنین وضعیتی پیدا کرده است.

۲. در علم صرف عربی باب «مفاعله» و «تفاعل» برای مشارکت کاربرد دارند، که «مفاعله» مشارکت یک طرفه و «تفاعل» مشارکت دو طرفه را می‌رساند و نکته قابل توجه این است که «قام» فقط در باب «مفاعله» کاربرد دارد و ناظر به زمان و مکانی است که از آن یک مقاومت و تسلط یک طرفه به‌دست آید. (میرقادی و کیانی، ۱۳۹۱: ۷۵) یعنی «مقاومت» مفهومی دارد که فقط برای جبهه حق قابلیت کاربرد دارد. از این رو براساس مفهوم قرآنی کاربرد واژه «مقاومت» برای جبهه باطل صحیح به‌نظر نمی‌رسد.

ترجمان مقاومت و استقامت

۱. واژه‌پژوهان و لغت‌شناسان آورده‌اند: استقامت از ریشه «قوم» است. برای آن معانی متعدد و مختلفی ذکر کرده‌اند. از جمله: عدل و اعتدال (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۷ / ۵۹۲؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۵۶۶)، ثبات (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷: ۴ / ۱۲۵) قرار داشتن در راه راست بی‌هیچ انحراف و کژی به سمت‌وسویی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۳: ۱ / ۶۹۲) و ضد اعوجاج (فراهیدی، ۱۴۰۹ / ۵۴۰)، که معنای عدل و اعتدال شهرت بیشتری دارد. (فیروزآبادی، ۱۴۲۶: ۱۱۵۲؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۵ / ۲۰۱۷) برخی گفته‌اند: «استقامت» همان «قامه» است که «س» و «ت» معنای آن را تأکید می‌کند. (رضوی و قدمی، ۱۳۸۵: به نقل از ابن‌جریر طبری، بی‌تا: ۷ / ۲۰۹) برخی برای «مقاومت» و «استقامت» ریشه مشترکی قائل شده و آن را از مشتقات «قام» و «قیام» می‌دانند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱ / ۴۷؛ میرقادی و کیانی، ۱۳۹۱: ۷۴؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴ / ۲۱۳۰۲)

۲. همان‌گونه که واژه‌پژوهان برای «مقاومت» چندین معنا برشمرده‌اند، مفسران نیز معانی: اعتدال و دوری از افراط و تفریط (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۶ / ۲۳۷)، ثبات و دوام و طلب قیام و پیروی از راه خدا (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۳۰۴ و ۹ / ۳۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰ / ۱۱۶ و ۱۱ / ۴۷) و استقامت در اوامر و نواهی الهی؛ اعم از عقاید و اعمال (فیض‌کاشانی، ۱۴۱۸: ۱ / ۵۵۷) دعوت و استقامت بر توحید (ابن‌عطیه، ۱۴۲۲: ۵ / ۳۰) ثبات قدم در جمیع دستورات دینی از عقاید حقه و اخلاق فاضله و اعمال صالحه (طیب، ۱۳۷۸: ۷ / ۱۳۳) را بازگو کرده‌اند، که اغلب ناظر به استقامت در مبانی هستند.

همان‌طور که از بررسی لغوی و تفسیری برمی‌آید مفهوم «مقاومت» در حقیقت ترجمان واژه «استقامت» و واجد بار معنایی و مفهوم جامع قرآنی آن است، با این تفاوت که برخی برای مقاومت معنای تقابلی، ضدیت و مخالفت کردن را نیز ذکر کرده‌اند. (بستانی، ۱۳۷۵: ۶۸۰؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴ / ۲۱۳۰۲) اما باید توجه داشت معنای تقابلی، ضدیت و جنگ، در برابر تجاوز، تعدی و فتنه‌انگیزی کاربرد دارند که روش مقاومت می‌باشد. روش مقاومت در حقیقت عنصری از نظام مقاومت برای اصلاح انحراف و فساد در چهارچوب مبانی و اهداف است که منعطف به زمان، مکان و مصلحت است و امکان آزمون و خطا در آن نیز وجود دارد، اما مبانی مانند اصل توحید، عدالت و فطرت خطاپذیر نیست. امری ثابت و لایتغیر است که با تکوین هماهنگی دارد.

بررسی مفهوم لغوی «مقاومت» و «استقامت» نشان می‌دهد ارتباط تنگاتنگ و معناداری میان این دو واژه وجود دارد و جانشینی هر یک از آن دو خللی در معنا و مفهوم آن ایجاد نمی‌کند. «مقاومت» و «استقامت» هر دو یک حقیقت را دنبال می‌کنند و آن ایستادگی و باقی‌ماندن بر مسئله‌ای تا حق آن کامل اداء و تمام آثار آن ظاهر شود.

وجه تفسیری مفهوم مقاومت در قرآن

آیاتی که در قرآن کریم بر «مقاومت» و «استقامت» دلالت دارند، به چند دسته تقسیم می‌شوند، که هر دسته آن ناظر به مسائل مربوط به خود می‌باشند.

۱. آیاتی که در آنها فرمان و امر به مقاومت آمده است، مانند: «فَاسْتَقِمُّوا كَمَا أُمِرْتُمْ وَمَنْ تَابَ مَعَكُمْ وَلَا تَطْغَوْا» (هود / ۱۱۲) و «فَادْعُوا اسْتَقِمُّوا كَمَا أُمِرْتُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَهُمْ» (شوری / ۱۵)، «فَاسْتَقِيمُوا وَلَا تَتَّبِعُوا سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (یونس / ۸۹) و «أَتَمَّا إِلَهُكُمْ إِلَهًا وَاحِدًا فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ». (فصلت / ۶)

۲. آیاتی که در آنها از آثار مقاومت سخن گفته است: در آیات «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (احقاف / ۱۳) و «وَالَّذِينَ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا». (جن / ۱۶)

مخاطب یک آیه از چهار آیه‌ای که فرمان مقاومت و استقامت داده همه انسان‌ها هستند و این آیه با بیان وحدانیت خدای سبحان، خواهان مقاومت و استقامت بندگان در مسیر حرکت به سوی خدا است. «أَتَمَّا إِلَهُكُمْ إِلَهًا وَاحِدًا فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ» (فصلت / ۶) اما سه آیه دیگر مشخصاً بعضی از پیامبران را مخاطب قرار داده است. در دو آیه (هود / ۱۱۲ و شوری / ۱۵) از پیامبر اسلام ﷺ خواسته شده است، همان‌گونه که به او فرمان داده شده، مقاومت و استقامت ورزد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲: ۳ / ۱۵۰) در تفسیر مجمع البیان در ذیل آیه «فَاسْتَقِمُّوا كَمَا أُمِرْتُمْ و... وَلَا تَطْغَوْا». (هود / ۱۱۲) به دلالت ایجابی و سلبی

مقاومت اشاره و آمده است: مقاومت و استقامت، همان ادای رسالتی است که پیامبر بدان مأمور شده بود و منظور از «وَلَا تَطْغَوْا» این است که با کم و زیاد کردن آن؛ از حد مقاومت و استقامت که همان «اسلام» است، خارج نشوید. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۳۰۴)

آیت‌الله خامنه‌ای می‌گوید: «از نظر قرآن مقاومت پای فشردن در نظر و عمل بر طریق مستقیم و گم نکردن هدف است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹: ۶۰) و نیز ملاک مقاومت در «فَأَسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ» باید اهداف و مبانی باشد نه روش. استقامت در اهداف لازم است نه روش، در روش‌ها آزمون و خطا جاری است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۹۹)

موضوع و هدف مقاومت در قرآن

برخی حقیقت اسلام را همان عدالت و توحید می‌دانند. زمخشری در ذیل آیات «شَهِدَ اللَّهُ... قَائِمًا بِالْقِسْطِ... إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ الْأِسْلَامُ» (آل عمران / ۱۹ و ۱۸) آورده است: «قَدْ أذن أن الإسلام هو العدل والتوحيد، وهو الدين عند الله، و ما عده فليس عنده في شيء من الدين... أن دين الإسلام هو العدل والتوحيد» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۴۵) یعنی خداوند اجازه داده است و می‌توان به جای اسلام، توحید و عدالت را قرار داد. از این بیان چنین برداشت می‌شود که هرچه به توحید و عدالت نزدیک شویم به اسلام نزدیک شده‌ایم، از این رو می‌توان گفت: امر به مقاومت، امر به توحید و عدالت است که همان اسلام می‌باشد. شاید بر همین اساس باشد که آیت‌الله خامنه‌ای می‌گوید: مقاومت و استقامت مد نظر قرآن، ایستادگی بر مبانی و هدف است نه روش، که در آیه «فَادْعُوا سِقَمَكُمْ كَمَا أُمِرْتُ» (شوری / ۱۵) بر آن تأکید شده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۹۹)

علامه طباطبایی هدف از مقاومت را نمایان کردن استعدادها و ویژگی‌ها و آثار گوناگون به حسب شخصیت ذاتی و دستورات دین در زمینه‌های مختلف می‌داند و می‌نویسد:

استقامت به معنای طلب قیام و استدعای ظهور همه آثار و منافع است، معنای استقامت در هر آیه‌ای با توجه به زمینه‌ای که استقامت در آن مطرح شده متفاوت است، مانند: قیام به حق توحید در عبودیت در آیه «أَتَمَّا الْهُكْمَ إِلَهُ وَاجِدُ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ»، (فصلت / ۶)، و ثبات بر ربوبیت حق در همه شئون زندگی و محافظت بر توحید در همه امور باطنی و ظاهری در آیه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت / ۳۰) و قیام به وظایف دینی در آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» (روم / ۳۰) ظهور دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰ / ۴۷ - ۴۸)

ظاهر این آیات به روشنی خواهان مقاومت بر مدار اوامر و نواهی خداوند است. در تفسیر فی ظلال

القرآن در ذیل همین آیه می‌نویسد:

مقاومت و استقامت، امر به راهی است که انحرافی در آن نیست. خداوند از پیامبر ﷺ می‌خواهد دین اسلام را همان طور که خدا اراده و نازل کرد بدون هیچ‌گونه زیاده و کاستی اقامه کند. (سیدقطب، ۱۴۱۲: ۴ / ۱۹۳۱)

با توجه به تبیین لغوی و تفسیری، در معنای اصطلاحی «مقاومت» می‌توان گفت: «مقاومت» اعتقاد و اقدامی پایدار، ثابت و مستمر در چارچوب مبانی اسلام، جهت تحقق اهداف و مقاصد عالی الهی و انسانی است، بدون اینکه افراط و تفریط یا انحراف و خروج از مبانی و اهداف صورت پذیرد. این تعریف همه معارف الهی اعم از اعتقاد، اخلاق و رفتار، اوامر و نواهی الهی، ایجاد مقتضی و ایستادگی در برابر انحرافات و از میان بردن موانع را شامل می‌شود.

مبانی مقاومت

هر موضوعی با پیش‌فرض‌هایی روبرو است که مبنای تعیین اهداف، اصول، استراتژی و روش‌های آن موضوع قرار می‌گیرد. مقاومت به‌عنوان یک موضوع کلیدی در قرآن نیز دارای مبانی و اصول ثابتی است که تحقق مقاومت و هرگونه اقدام در وضع قوانین و انتخاب روش باید بر اساس آن صورت پذیرد، مهم‌ترین مبانی مقاومت عبارتند از:

۱. توحیدگرایی

اساس مقاومت در قرآن بر توحید بنا شده است. امر به مقاومت و ایستادگی در قرآن از جمله آیه «فَاسْتَقِمُّوا كَمَا أُمِرْتُمْ وَمَنْ تَابَ مَعَكُمْ» (هود / ۱۱۲) به دو موضوع بنیادین برمی‌گردد که یکی شناختن خدا و دیگری برقراری عدالت و قسط در جامعه بشری است. (مطهری، ۱۳۹۲: ۲ / ۱۷۳) که جامعه متکثر را به‌سوی «توحید» سوق می‌دهد. امام خمینی می‌گوید: «ما از این اصل اعتقادی (توحید)، اصل آزادی بشر را می‌آموزیم...» (خمینی، ۱۳۶۸: ۵ / ۳۸۸) آیت‌الله خامنه‌ای مفهوم توحید اجتماعی را که مقاومت بر اساس آن شکل می‌گیرد، به‌معنای پایبندی به وحدت و یکپارچگی جهان و خویشاوندی تمام اجزا و عناصر آن، برابری انسان‌ها در آفرینش و مایه‌های انسانی و در امکان تعالی و تکامل و آزادگی همه انسان‌ها از قید اسارت و عبودیت غیر خدا می‌داند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۵۳ - ۵۲ و ۱۳۶۰: ۱۲ - ۵)

در اسلام «خط مشی و برنامه» با «حقیقت» یکسانند. قرآن با پیوند بین الوهیت و عبودیت، مسئله عقیده را در چهارچوب بنیادین «توحید» و «عدالت» تفسیر کرد و با ارائه جهان‌بینی و ایدئولوژی جامع، تمامی امور را در شبکه هستی به خداوند واگذار کرد. اسلام با دعوت به اقرار و ایمان به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» با معنای حقیقی آن در تمامی امور، حاکمیت را به خدا بازگرداند و تجاوزگرانی که با قائل شدن این حق

برای خویشتن در دنیا به سلطنت خداوند تجاوز می‌نمایند را طرد کرد. (سیدقطب، ۱۳۹۰: ۴۱ - ۵۳)

براین اساس مقاومت بر توحید بنا می‌شود و امر به مقاومت، امر به اقامه توحید و لوازم آن است؛ اعم از تشکیل حکومت و تعیین استراتژی جهت تحقق حاکمیت خدا و ایفای حقوق انسانی بر اساس مبانی است و بر مبنای آن مبارزه با شرک، بی‌عدالتی، دفع تجاوز، ستمگری و ظلم و دفاع از مظلوم شکل می‌گیرد.

۲. عدالت

یکی از مهم‌ترین مبانی مقاومت بعد از توحید «عدالت» است. برخی اعتقاد و باور به «خدا» در اندیشه را توحید نظری و فردی، و «عدالت اجتماعی» را تجلی خدا در زندگی و توحید اجتماعی می‌دانند. (مطهری، ۱۳۷۷: ۲ / ۱۷۴) ابن‌عاشور با فطری دانستن عدالت می‌نویسد: «خداوند از ایجاد تا ختم رسالت پیامبران، هدف واحدی را دنبال می‌کرد و آن حفظ نظام این عالم و تأمین مصالح و احوال اهل عالم بوده است و آن را تحت آن چه عدالت و استقامت نامیده است در نفوس پیروانش آنها را علاقمند می‌کند و به سمت عدالت و استقامت می‌کشاند». (ابن‌عاشور، ۱۴۳۱: ۸)

مطهری «عدالت» را معیار اسلام و منشأ دین و قانون می‌داند؛ بدین معنا که عدالت به‌مثابه اصلی است که دین و قانون براساس آن ایجاد می‌گردد و می‌نویسد: «عدل قرآن، همدوش توحید، رکن معاد، هدف تشریح نبوت، فلسفه زعامت و امامت، معیار کمال فرد، و مقیاس سلامت اجتماع است». (مطهری، ۱۳۸۹: ۱ / ۶۱) جوادی‌آملی می‌نویسد: «نادیده‌انگاشتن قسط و عدل، مخالفت با نظام طبیعی و اهتمام به آن، هماهنگی با نظام هستی است». (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱: ۱۷ / ۱۹۳ - ۱۹۲)

عدالت مفهومی مشترک در میان مکتب‌های الهی و بشری است. از این رو اگر نظریه عدالت در درون پارادایم خودش؛ یعنی با جهان‌بینی دینی تعریف نشود، همه چیز به هم می‌ریزد. (سیدباقری، ۱۳۹۷ / ۳۴۹) قرآن همگان را به عدالت و احسان امر می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل / ۹۰) پیامبر نیز رسالت خود را اقامه عدالت در جامعه برمی‌شمارد: «وَأْمُرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ» (شوری / ۱۵) آیات متعدد بیانگر آن است بین توحید، عدل و احسان رابطه تکوینی وجود دارد و این رابطه معنایی به‌خاطر جامعیت مفهوم «عدالت» است. (طیب، ۱۳۷۸: ۱۱ / ۴۶۹) و از سوی دیگر تنظیم‌کننده روابط و تأمین‌کننده نیازمندی‌های بشری نیز هست.

با این بیان «مقاومت» از منظر قرآن، همچون امور تکوینی، بر اساس عدالت یا تابعی از عدالت است، از این رو همه فعالیت‌های اجتماعی و هرگونه اقدام و برنامه‌ریزی و وضع قوانین در حوزه‌های مختلف نیز باید برآمده از عدالت و تأمین‌کننده نیازها و ایفای حقوق طبیعی انسان‌ها و جوامع انسانی باشد، در غیر این صورت خروج از مقاومت تلقی می‌شود.

۳. فطرت

در قرآن کریم و روایات بر وجود فطرت مشترک میان آدمیان تأکید شده است که از حقیقت خود مبدل نخواهد شد. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيُّمُ» (روم / ۳۰) مطابق فرمایش پیامبر اکرم ﷺ هر انسانی بر فطرت توحیدی آفریده شده است: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۳) از فطرت بشر، هم اصول مشترک الهی بر می‌آید و هم اصول مشترک انسانی. (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱: ۲۳) ایمان به خدا و نفی شرک و طاغوت و وحدت هدف، نشانه‌های فطرت انسانی است و هرگونه شرک و ستم‌گری و هرگونه اختلاف و تفرقه، انحراف از فطرت قلمداد می‌شود. (صدر، ۱۳۹۴: ۱۷۲) انسان به حکم فطرت، عدول از حق، عدالت و انسانیت را، فارغ از اعتقاد به باورهای دینی نمی‌پسندد. تاریخ گواهی می‌دهد در جوامع بشری تلاش برای اقامه عدالت و دست‌یابی به حقوق انسانی از سوی آگاهان جامعه همواره وجود داشته و با ظلم، تجاوز، ستم‌گری و سلطه به مقابله و مبارزه برخاسته‌اند و برهمن اساس است که مطهری انسان‌هایی را که بر اساس فطرت، اهل احسان، جود و عدالت باشند، را به خداپرستی فطری تعبیر نموده است و نزد خدا مأجور می‌داند حتی اگر مشرک باشند. (مطهری، ۱۳۹۲: ۲ / ۱۷۷) همه تمایلات و سنن فطری بشر را می‌توان به‌طور خلاصه استقامت در دعوت به عدل و بازداشتن از ظلم و انحراف از حق بیان داشت که هر انسانی به فطرت سلیم خود آن را عدالت می‌داند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷ / ۷۳)

براساس رویکرد جهان‌شمولی اسلام، در قرآن امر به «مقاومت» با تبیین عدالت، آزادی، حقوق طبیعی و کرامت انسان در قرآن مبتنی بر فطرت مشترک انسانی بنا نهاده شده است و برهمن اساس تشریح احکام و وضع قوانین و دستورالعمل‌های فردی و اجتماعی بر مبنای فطرت الهی در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است.

۴. آخرت‌گرایی

یکی دیگر از مبانی مقاومت در قرآن، حقیقت معاد است که از اعتقاد به توحید ریشه می‌گیرد. انسان معتقد به معاد، در همه عرصه‌ها با جهاد و مبارزه و بذل مال و جان تا مرز شهادت (توبه / ۱۱۱)، خود را در مسیر اطاعت و برخورداری از نصرت و فلاح و رستگاری حقیقی می‌بیند و به احدی الحسنین می‌اندیشد. (توبه / ۵۲) یکی از عمده‌ترین تفاوت‌های حامیان اندیشه‌ها و مکتب‌های مادی و غیرمادی، باور یا عدم باور آنان به معاد و به جهان آخرت است.

اعتقاد به معاد، بینش انسان را از تنگنای دنیا به فراخنای جهان باقی پیوند می‌دهد، و همّت او را

بلندمرتبه‌تر از آن می‌گرداند که بخواهد به تعلقات دنیوی و مادی و تزییع حقوق دیگران خشنود گردد و بدان رضایت دهد. حضرت علی علیه السلام هدف نهایی از خلقت را قیامت می‌داند. «فإن الغایه، القیامه» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۰). این اصل در حوزه اندیشه و نظر و عملکرد منشأ اثر است، یکی از آثار اعتقاد به معاد، توجه به عواقب اعمال است که موجب می‌شود انسان به عدالت رفتار کند و آزادی منطبق بر فرمان الهی را در نظر بگیرد و در محدوده حکم خداوند عمل کند و بی‌مبالاتی و بی‌بندوباری که در آخرت موجب عذاب می‌شود، نداشته باشد. (سیدباقری، ۱۳۹۷: ۱۸۲) جوادی‌آملی می‌نویسد: «فراموشی معاد موجب تبه‌کاری و ستمگری فردی و اجتماعی است». (جوادی‌آملی، ۱۳۸۴: ۴ / ۲۲) اعتقاد به معاد، موجب اطاعت‌پذیری از خدا و عامل مقاومت و پایداری در برابر ولایت کافران (بقره / ۲۴۹) و موجب استقامت و نصرت الهی «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْبِشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت / ۳۰) آخرت‌اندیشی و وارستگی مجاهدان «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ» (نساء / ۷۴) سالم‌سازی اقتصاد (مطففین / ۷ - ۱) می‌گردد. قرآن حیات حقیقی را زندگی اخروی دانسته و در آیه «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهيَ الْحَيَاةُ» (عنکبوت / ۶۴) به آن اذعان نموده است.

ابعاد مقاومت با رویکرد اجتماعی در قرآن

در یک نگاه کلی، امر به استقامت در آیه «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ...» (هود / ۱۱۲) و نیز آیه «أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل / ۳۶) و «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل / ۹۰) را می‌توان به‌عنوان اصول، عناصر و استراتژی اصلی و اساسی «مقاومت» با رویکرد اجتماعی به‌حساب آورد. مقاومت با رویکرد اجتماعی در قرآن، در دو بعد کلی ایجابی و سلبی مورد تأکید قرار گرفته است. لذا تحقق بعد ایجابی مقاومت در کنار بعد سلبی آن در چهارچوب مبانی، حیات طیبیه را فراهم می‌سازد که به اجمال به ابعاد آن پرداخته می‌شود:

۱. بُعد ایجابی مقاومت با رویکرد اجتماعی

یک. اصل مالکیت خدا بر سرنوشت انسان

در جهان‌بینی اسلامی، جهان در مالکیت مطلق خدا است. آیه «أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل / ۳۶) بیان بعثت رسول است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۳۵۳) که به پرستش خدا و اجتناب از طاغوت دعوت نموده‌اند؛ چرا که پرستش غیر خدا و اتخاذ ارباب و پذیرش اراده و سلطه دیگران با توحید ناسازگار است و انسان را به شرک مبتلا می‌سازد. (آل عمران / ۶۴) سید محمدباقر صدر می‌نویسد: این اصل هرگونه زورگویی و بهره‌کشی و سلطه انسان را بر انسان نابود می‌سازد تا زمانی که «الله» اساس حاکمیت‌ها و

نظام اسلامی جلوه‌گاه آن حکومت باشد، خودبه‌خود همه فرمانروایی‌ها و حاکمیت‌های ظالمانه، به‌وسیله این آیین از میان می‌رود. (صدر، ۱۳۵۹: ۱۶۶) به شرطی که انسان در عالم تشریح با اطاعت از خدا در چهارچوب مبانی و سنت‌های الهی عمل کند.

دو. تشکیل حکومت

اقدام مهم پیامبر بعد از دعوت به توحید، تشکیل حکومت بود. امام خمینی علیه السلام می‌نویسد: نهاد حکومت در اسلام آن قدر اهمیت دارد که نه تنها در اسلام وجود دارد بلکه اسلام چیزی جز حکومت نیست. (خمینی، ۱۳۸۲: ۵ / ۴۷۲) امام خمینی علیه السلام قیام به تشکیل حکومت را شعبه‌ای از ولایت پیامبر علیه السلام و امامان علیهم السلام دانسته و می‌نویسد: «اگر فرد لایقی که دارای دو خصلت، علم به قوانین و عدالت، به‌پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در امر اداره جامعه داشت دارا است و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند. این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیشتر از حضرت امیر علیه السلام بود، یا اختیارات حکومتی حضرت امیر علیه السلام بیش از فقیه است، باطل و غلط است. (همان، ۱۳۹۴: ۵۰) و هر ولایتی به‌جز ولایت خدا و جانشینانش، ولایت شیطان و طاغوت است که مؤمن را با هزار پیوند و رابطه، به قدرت طاغوت وابسته می‌سازد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۲۶ - ۱۳۱)

اسلام با اصل قرار دادن حاکمیت مطلق خدا، مقام خلافت و جانشینی و امر مدیریت و آبادانی زمین، تأمین متوازن نیازهای مادی و روحی و هر آن چه که برای معاش در زندگی و ادامه حیات نیاز است را به انسان سپرد تا مبادی تمدن راستین را مهیا و اصول حاکم بر روابط داخلی و خارجی را تبیین کند. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹: ۹۹ و فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۰ / ۵) لازمه آن وضع و اجرای قوانین و تشکیل حکومت است. از آنجا که حاکمیت از آن خداست و به برگزیدگانش اذن داده و تفویض نموده است. در غیبت پیامبران، جانشینان و اوصیای آنها هستند و در غیبت اوصیای، فقهای امت، دین‌شناسان، آگاهان، آن کسانی که منصب ولایت را و امامت را به ارث بردند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۳۹) که از آن به نظام امامت یاد می‌شود و اجازه دارند اقامه حاکمیت کنند. در این نظریه قدرت حاکمیت، ناشی از اراده خدا است و زمامداران دستورات خدا را به اجرا در می‌آورند. (هاشمی، ۱۳۸۵: ۱)

بین ماهیت حکومت‌های الهی با حکومت‌های بشری فاصله‌ای زیاد وجود دارد. برای اینکه وقتی مبنای تشکیل حکومت متفاوت باشد، بالطبع حکومت‌های متفاوت با اهداف متفاوت شکل می‌گیرد.

سه. اصل عدالت

در قرآن اقامه عدالت به‌عنوان وظایف اجتماعی مسلمانان مورد تأکید قرار گرفته است «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا

بِالْبَيِّنَاتِ وَانزَلْنَا مَعَهُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید / ۲۵) و «اعْدِلُوا هُوَ اقْرَبُ لِلتَّقْوَى». (مائده / ۸) قرآن کریم اقامه عدالت اجتماعی را در مقیاس با دیگر ارزش‌های فردی و اجتماعی، با ارزش‌تر و آن را به فضیلت تقوا نزدیکتر می‌داند. امام خمینی ره با نفی حکومت‌های غیر عادلانه، برخی راه‌های اساسی عملی کردن عدالت اجتماعی را اجرای قوانین و مقررات اسلام (خمینی، ۱۳۶۸: ۴ / ۱۷۷ - ۱۷۶) حذف فاصله طبقاتی، حفظ منافع محرومان و گسترش مشارکت عمومی و محرومیت زدایی (همان: ۸ / ۳۷ - ۳۶) نفی نفوذ سرمایه‌داران در حکومت و مبارزه با زراندوزان و رفاه‌طلبان (همان: ۲۰ / ۱۳۰ - ۱۲۸) توجه به عمران و آبادانی (همان: ۱۰ / ۱۴۴) تدوین قانون به نفع محرومان جامعه (همان: ۲۱ / ۳۸) می‌داند که تحقق آنها، وظیفه جامعه اسلامی و حاکمان آن است. (بجنوردی، ۱۳۷۷: ۱ / ۱۹۰)

آیت‌الله خامنه‌ای آرمان‌های ایجابی را اجرای عدالت اجتماعی، ایستادگی در راه پیشرفت و آبادانی مادی و معنوی، پناه‌دادن به مظلوم و مقابله با ظالم می‌داند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲) قهرماً هدف قرآن از عدالت، نجات محرومان و مستضعفان و نبرد و ستیز با ستم‌پیشگان است. مطهری اقامه عدل و قسط در جامعه را برقراری توحید عملی اجتماعی می‌داند. (مطهری، ۱۳۷۷: ۲ / ۱۷۴) و از عدالت به‌عنوان معیار سلامتی و رضایت اجتماع یاد می‌کند و می‌نویسد: «آن اصلی که می‌تواند تعادل اجتماعی را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد، به پیکر اجتماع سلامت و به روح اجتماع آرامش بدهد، عدالت است». (همان، ۱۳۷۹: ۱۱۹)

براساس دلالت‌های قرآن کریم، «مقاومت ایجابی» در تحقق عدالت؛ یعنی پای‌فشاردن بر تمام چیزهایی است که خدا، وجود و تحقق آنها را در زندگی فردی و اجتماعی ضروری می‌شمارد، همچون: کرامت انسان (بقره / ۳۰ و مائده / ۳۲ و اسراء / ۷۰)، آزادی (زمر / ۳۹)، آبادانی زمین (اعراف / ۷۴ و هود / ۶۱)، صلح (انفال / ۶۱ و نساء / ۹۰) و همزیستی مسالمت‌آمیز (آل عمران / ۶۴ و ممتحنه / ۸)، که مسلمانان باید به‌عنوان عبودیت اجتماعی در تحقق این امور تلاش نمایند و کلیه قوانین و دستورالعمل‌های اجتماعی باید تابعی از عدالت تکوینی باشد.

۲. بُعد سلبی مقاومت با رویکرد اجتماعی

قرآن در آیات متعددی متعرض این موضوع شده است و مسلمانان را از هرگونه اقدامی که زمینه وابستگی را فراهم کند باز داشته است. جنبه سلبی مقاومت ناظر به نفی سلطه بیگانگان بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان است. (بجنوردی، ۱۳۷۷: ۱ / ۱۹۰) بعد سلبی مقاومت را می‌توان از آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء / ۱۴۱) و دیگر آیات مرتبط مبنی بر نپذیرفتن سلطه کفار برداشت کرد. نمونه‌هایی از مقاومت سلبی که در قرآن به‌صراحت به آنها اشاره شده عبارتند از:

یک. نهی از پذیرش ربوبیت غیر خدا و مبارزه با طاغوت

از دیدگاه اسلام انسان آزاد آفریده شده است و هیچ کس و هیچ طبقه و هیچ گروه بر وی سلطه ندارد و سیادت و ربوبیت، ویژه خدا است. (صدر، ۱۳۵۹: ۱۶۶) براساس آیه «أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل / ۳۶) و «وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا - أَمِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران / ۶۴) حتی آزادی سیاسی و حق اطاعت از نظام‌های سیاسی و نهاد قدرت، مشروط به آن است که موجب «اتخاذ ارباب» نشود و در برابر ربوبیت تشریحی خدا نباشد. در تفسیر فی ظلال القرآن آمده است: «در این جهت تفاوتی میان نظام‌های دیکتاتوری با نظام‌های دموکراسی نیست و همگی ارباب زمینی‌اند که انسان را به رقیبت و عبودیت خویش می‌خوانند و تنها نظام اسلامی و توحیدی است که می‌تواند بشر را رها کرده و به او آزادی واقعی ببخشد». (سیدقطب، ۱۴۱۲: ۱ / ۴۷) منظور از طاغوت در هر چیزی است که اطاعت آن منافی با ایمان به خدا است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۶۳۳ - ۶۳۱) قرآن ایمان به خدا را مساوی با کفر به طاغوت به حساب آورده است. (بقره / ۲۵۶) که مسلمانان موظف‌اند از هر نظامی که به جای ربوبیت خدا نشسته است، چه حاکم مسلمان داشته باشد و چه غیر مسلمان، دوری کنند.

دو. نهی از پذیرش ولایت کفار

در مقاومت سلبی قرآن، برای حفظ استقلال و آزادی اجتماعی مسلمانان، آنان را از پذیرش ولایت کافران نهی کرده است؛ از جمله: در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» (نساء / ۱۴۴) و آیه «لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران / ۲۸) مسلمانان را از اتحاد و امتزاج با کفار بر حذر داشته است و در ادامه همین آیه با لحن انذار و تهدید می‌فرماید: «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ» اگر کسی چنین کند در هیچ مأمنی از خدا قرار ندارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳ / ۱۵۱ - ۱۵۲) و در مقابل بر پذیرش ولایت خدا و پیامبر و اولی الامر در آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا» (مائده / ۵۵) و پیروی از آنان در آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء / ۵۹) تأکید نموده است.

سه. عدم اعتماد و برقراری ارتباط صمیمی با کافران و مشرکان

یکی از اصول مقاومت در بعد سلبی از دیدگاه قرآن، عدم اعتماد و دوستی و روابط نزدیک با جبهه باطل است؛ یعنی مسلمانان نباید بر ستمگران تکیه و اعتماد کنند و «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» (هود / ۱۱۳) تکیه و اعتماد بر ستمگران باعث وابستگی می‌گردد و وابستگی به هر شکل آن، چه فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی نتیجه‌ای جز اسارت و استثمار و نابودی استقلال مسلمانان ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۹ / ۲۶۰ و فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۲ / ۱۴۲ - ۱۴۰)

در آیات ناظر به نهی از دوستی کفار، تهدید شدیدی هم شده است، مثلاً در آیه «مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ» (مائده / ۵۱) می‌فرماید: «و هر که از شما، آنان را دوست بدارد، او خود از ایشان است». و در آیه «و يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ» (آل عمران / ۲۸) فرمود: «خدا شما را از خودش بیم می‌دهد». و در آیه «أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا» (نساء / ۱۴۴) آیا می‌خواهید برای خدا علیه خود حجتی واضح درست کنید، (دست خدا را در عذاب به روی خود باز کنید) (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۲۰۷) از ابعاد مقاومت و ایستادگی برحق، عدم برقراری روابط دوستانه با کفار و مشرکین است که در جبهه مقابل اسلام قرار دارند.

نتیجه

۱. «مقاومت» به وزن «مفاعله» به صورت یک طرفه فقط برای جبهه حق کاربرد دارد. قرآن کریم ایستادگی جبهه باطل در مقابل جبهه حق را به الحاد، غی، کفر و فساد تعبیر کرده است.
۲. قرآن دارای ظرفیت جهان‌شمولی و تمدنی است و پاسخ‌گوی نیازهای اجتماعی بشر است. از این رو در تقابل با غرب تفکری، تفسیر آیات اجتماعی قرآن و زمینه‌سازی برای تحقق موضوعات اجتماعی قرآن امری ضروری به نظر می‌رسد.
۳. «مقاومت» در قرآن با رویکرد اجتماعی، نظام‌مند و بر توحید، عدالت و فطرت مبتنی است و هرگونه اقدام اجتماعی و اتخاذ روش باید در چارچوب مبانی، جهت تحقق اهداف و مقاصد انسانی صورت پذیرد و هرگونه انحراف و افراط و تفریط از مبانی در اندیشه و عمل، مصداق فساد و خروج از مقاومت تلقی می‌شود. امر به مقاومت در تعیین اصول و استراتژی و وضع قوانین، بر حاکمیت مطلق خدا بر انسان و نفی طاغوت، تشکیل حکومت و اقامه عدالت و قسط مبتنی است. عدالت و مبارزه با ظلم و ستم، اصلاح و آبادانی زمین، پیشرفت علمی، تولید و خودکفایی و ایجاد رفاه و تأمین اجتماعی که مقام رهبری از آن به «اقتصاد مقاومتی» تعبیر نموده‌اند، جلوه‌هایی از استراتژی مقاومت در قرآن محسوب می‌شوند. بر خلاف کاربرد عرفی آنکه دامنه مقاومت را محدود و با سطحی‌نگری روش مقاومت را به‌جای مبانی مقاومت نشانده‌اند، در حالی که هدف از «مقاومت» با رویکرد اجتماعی، بروز ظرفیت‌های جهان‌شمول اسلام در گسترش حاکمیت الهی، تأمین سعادت و امنیت همه‌جانبه، بروز استعدادهای فطری انسانی، حفظ آزادی، کرامت و حقوق انسان، رفع اختلاف و تشکیل امت واحده اسلامی است.

منابع و مأخذ

الف) کتابها

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، گردآوری سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷، *النهاية فی غریب الحدیث و الأثر*، قم، اسماعیلیان، ج ۴.
- ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ ق، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۳۱ ق، *اصول النظام الاجتماعی فی الاسلام*، القاهرة، دار السلام.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق، ۱۴۲۲ ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن فارس، ابواحمد، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الإعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر.
- احسانی، ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ ق، *عوالی اللائی*، ج ۴، قم، سیدالشهدا علیه السلام.
- امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۶۸، *صحیفه امام*، مجموعه ۲۲ جلدی، تهران مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۸، *البیع*، ج ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بجنوردی، حسن، ۱۳۷۷، *القواعد الفقهیة*، تحقیق مهدی مهریزی و محمد حسین درایتی، قم، الهادی.
- بستانی، فواد افرام، ۱۳۷۵، *فرهنگ ابجدی عربی به فارسی*، ترجمه رضا مهیار، تهران، اسلامی.
- جمشیدی، محمد حسین، ۱۳۸۰، *نظریه عدالت*، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲، *دائرة المعارف قرآن کریم*، ج ۶، قم، بوستان کتاب.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، *تفسیر موضوعی قرآن کریم: معاد در قرآن*، ج ۴، قم، اسراء، ج ۳.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، *تفسیر تسنیم*، قم، مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، *ولایت فقیه*، تحقیق محمد محرابی، قم، اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *روابط بین الملل در اسلام*، قم، اسراء، ج ۲.
- حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۹، *جامعه سازی قرآنی*، قم، دلیل ما.
- خامنه ای، سید علی، ۱۳۶۰، *روح توحید*، تهران، مؤسسه انجام کتاب.
- خامنه ای، سید علی، ۱۳۸۹، *خطبه نماز جمعه ۱۴/۳/۱۳۸۹*، دسترسی از طریق:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9524>

۲۳۵ □ بررسی مفهوم مقاومت با رویکرد اجتماعی در آیات قرآن

- خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۰، *طرح اندیشه کلی اسلام*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۲۲.
- خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۱، *بصیرت و استقامت (مجموعه سخنرانی)*، تهران، مؤسسه جهادی.
- خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۲، *سخنرانی در دیدار با مردم آذربایجان شرقی*، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸؛ دسترسی از طریق: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25363>
- خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۰، *بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی*، ۱۳۹۰/۶/۲۶؛ دسترسی از طریق: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17269>
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۳ ق، *مفردات الفاظ القرآن*، دمشق و بیروت، دار الشامیه و دار القلم، چ ۱.
- رضوی، سید عباس و غلامرضا قدمی، ۱۳۸۵، *دائرة المعارف قرآن کریم*، استقامت، قم، بوستان کتاب.
- زبیدی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق و تصحیح علی شیری، بیروت، دار الفکر.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی.
- سید قطب، ۱۳۹۰، *نشانه‌های راه*، ترجمه محمود محمودی، تهران، احسان، چ ۲.
- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت و قاهره، دار الشروق.
- صدر، سید محمدباقر، ۱۳۵۹، *همراه با تحول اجتهاد*، ترجمه اکبر ثبوت، سید جمال موسوی و سید جعفر حجت، تهران، روزبه.
- صدر، سید محمدباقر، ۱۳۹۴، *اسلام راهبر زندگی*، قم، دار الصدر.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۴، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان اعلام القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، *مجمع کالبحرین*، چ ۳، تهران، مرتضوی.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، *تفسیر اُطیب البیان*، تهران، اسلام.
- الفراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، *کتاب العین*، تحقیق ابراهیم سامرائی، ج ۵، قم، مؤسسه دار الهجره.
- فضل‌الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک.

- فواد، عبدالباقی محمد، ۱۴۰۸ ق، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قاهره، دار الحدیث.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۸ ق، الاصفی فی تفسیر القرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹، سیری در نهج البلاغه، تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، مجموعه آثار، ج ۱ و ۱۳، تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۱، زندگی جاوید یا حیات اخروی، تهران، صدرا، چ ۳۲.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۲، مجموعه آثار، ج ۲، تهران، صدرا، چ ۳.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- هاشمی، سید محمد، ۱۳۸۵، حقوق اساسی جمهوری اسلامی، تهران، میزان.

ب) مقاله‌ها

- پهلوان نژاد، محمدرضا، شراره سادات سرسرای، ۱۳۹۰، «معادل‌یابی واژگان قرآنی در پرتو روابط موجود در نظریه شبکه معنایی»، مطالعات اسلامی، شماره ۸۳، ص ۴۴-۹، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- شاملی، نصرالله، زهرا کهن‌دل جهرمی و زهرا قاسم‌نژاد، ۱۳۹۰، «معناشناسی سیستماتیک در رسم شبکه معنایی واژه قانون و مترادفات آن در قرآن کریم»، حسنا، شماره ۹ و ۱۰، قم، مؤسسه تفسیر و پژوهش قرآنی، ص ۱۱۳-۸۵.
- مهری‌زی، رضا، ۱۳۸۹، «واژه‌گزینی و رویکرد بومی تولید علم»، بگاہ حوزه، شماره ۲۹۸، ص ۳۲-۲۶، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- میرقادر، سید فضل‌الله و حسین کیانی، ۱۳۹۱، «بین‌مایه ادب مقاومت در قرآن»، فصلنامه ادبیات هنر دینی، شماره ۱، ص ۹۹-۷۳، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی